

جایگاه زن

از منظر سید ابوالاعلی مودودی

مهدی تیموری بازگری

دانش‌آموخته فقه و حقوق حنفی و رودی ۸۰ و کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه تهران

ahmadtmr@gmail.com

چکیده

در دوران معاصر یکی از مهم‌ترین مسائلی که همه ادیان و احزاب را با چالش‌های اساسی روبرو کرده است، نقش اجتماعی زنان و حضور آنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است. در میان اندیشمندان مسلمان تفاوت و تنوع آرای زیادی در این موضوع به چشم می‌خورد؛ برخی نقش اجتماعی زنان در بیرون از محیط خانه را کلاً منکر شده‌اند و برخی برای زنان نقشی برابر با مردان، در همه عرصه‌ها قائل شده‌اند. سید ابوالاعلی مودودی - یکی از دانشمندان بزرگ معاصر اسلام در شبهه قاره هند و مؤسس حزب جماعت اسلامی - با نقد دیدگاه‌های غرب و اندیشمندان اسلامی که عمدتاً به راه تفریط یا افراط رفته‌اند، به توضیح و دفاع از نظریه اسلام در خصوص زن می‌پردازد. به زعم او در اسلام عرصه عملکرد زن و مرد از یکدیگر متمایز است و اسلام تنها نظام اجتماعی است که با در نظر گرفتن همه جوانب فطرت و نظام آفرینش و ماهیت و نیازهای بشری - اعم از مرد و زن - طرحی کامل و جامع برای چگونگی روابط و تقسیم کار زن و مرد، به دست داده است.

کلیدواژه‌ها: زن، تنظیم خانواده، تقسیم کار، مناصب سیاسی.



مقدمه

مودودی از شخصیت‌های برجسته دینی، سیاسی و اجتماعی شبه قاره هند است که در بحرانی‌ترین دوره شبه قاره هند (چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ دینی) می‌زیست. وی در سال ۱۹۰۳م در شهر اورنگ آباد از ایالت حیدرآباد هند به دنیا آمد و نوجوانیش را داوطلب به عنوان یک روزنامه‌نگار گذراند. وی از همان اوایل زندگی پا به عرصه‌های دینی و سیاسی گذاشت و با آثار و افکار خود توانست تأثیراتی در این منطقه و حتی در جهان اسلام بگذارد. در سال ۱۹۳۲م ماهنامه «ترجمان القرآن» را منتشر ساخت. در سال ۱۹۳۷م به دعوت اقبال لاهوری در تنظیم مجموعه‌ای از فقه همکاری کرد و در سال ۱۹۳۸م به ریاست مؤسسه تحقیقات اسلامی رسید. در سال ۱۹۴۱م حزب «جماعت اسلامی» را بنیان گذاشت و هدف آن را تلاش برای استقرار یک دولت اسلامی اعلام داشت. پس از تقسیم شبه قاره هند، با مقامات دولتی در افتاد و بارها به ایجاد اغتشاش متهم گشت. بر اثر مبارزه‌اش با سیاستمداران لیبرال، دستگیر و یک بار در سال ۱۹۴۸م و بار دیگر در سال ۱۹۵۳م در ارتباط با اغتشاشات ضد جامعه قادیانی زندانی شد. اندکی بعد نهضت او گسترش یافت و به یک نهضت و حرکت جهانی تبدیل شد و مودودی نیز به عنوان عالمی برجسته و ممتاز در جهان اسلام شناخته شد، تا آنکه در ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹م مطابق با ۳۱ شهریور ۱۳۵۸ش و ۱۳۸۵/۷/۱ق، بعد از به جای گذاشتن صدها جزوه و رساله و بیش از یکصد و چهل کتاب در زمینه‌های گوناگون چشم از جهان فرو بست. (۱)

جامعه‌ای که وی در آن می‌زیست، دچار رکود و رخوت شده بود. تعالیم اسلامی در آن به صورت سنت‌های موروثی متزلزل درآمده، ارزش‌های غربی به تدریج راه خود را باز کرده، به فرهنگ حاکم بدل شده بود. روشنفکران طرح‌های متعدد اصلاحی ارائه می‌کردند. از تغییر سیستم آموزش گرفته تا یک انقلاب تمام عیار کمونیستی و نکته‌ای که بر آن متفق بودند، ناتوانی اسلام در پاسخگویی به نیازهای معاصر بود. مودودی در چنین فضای فکری رشد کرد. حدود صد کتاب و مقاله از خود به جا گذاشت. به فعالیت‌های سیاسی روی آورد. حزب خود را سازمان داد و در انتخابات نمایندگی شرکت جست. در اکثر زمینه‌های روز قلم زد و سخن گفت. هم‌زمان در چندین جبهه نبرد می‌کرد: با برداشتهای سوسیالیستی از اسلام، فعالیت سیاسی زنان، غرب‌گرایی، برداشتهای الحادی از علوم جدید و ... به شدت مخالفت می‌کرد و خواستار پالایش اسلام از بدعتها و گمراهیها بود.

نکته قابل توجه در مورد مودودی، برخی افکار و اندیشه‌های او در برخی از زمینه‌های دینی، سیاسی و اجتماعی است که مباحثات و مناقشات فراوانی را در عالم اسلام در پی داشته است. یکی از این نظریات راجع به زن و جایگاه آن در اسلام است که در این پژوهش به آن پرداخته شده است.

جایگاه زن در غرب

مودودی در مورد جایگاه زنان در یونان به اصطلاح متمدن می‌نویسد: «زنان این قوم در مراحل اولیه تمدن خود در نهایت ذلت و بدبختی زندگی می‌کردند و این ذلت و بدبختی آنها، تمام جوانب اخلاق، قانون، حقوق و روابط اجتماعی آنان را دربرگرفته بود. اما پس از مدتی شهوات و امیال نفسانی بر یونان غالب شد و غرایز حیوانی و هوی و هوس آنان را تحت تأثیر قرار داد، تا آنجا که زنان زناکار و کنیزان در آن اجتماع چنان منزلت بلندی به دست آوردند که مانند آن در تاریخ بشریت دیده نمی‌شود.» (۲)

به نظر مودودی روح اندیشه برابری، آزادی، استقلال و اختلاط زن و مرد در اروپای نوین نیز نه تنها مشکلاتی را به طور عمیق حل نکرد، بلکه به تشدید تشوها، فساد و گسترش رذایل و مفساد اخلاقی دامن زد. در همین راستا انقلاب صنعتی نیز هیچ دستاوردی جز ورود زنان به عرصه اقتصادی و اجتماعی و همچنین اختلاط جنسی و شکسته شدن حرمتها و قیود اخلاقی بشر نداشت. این بود که مقام و منزلت زن در غرب به نهایت انحطاط اخلاقی و فساد کشیده شد. (۳)

جایگاه زن در اسلام

مودودی پس از بررسی نظریه‌های غرب در مورد زن و جایگاه وی، جایگاه زن را در اسلام بررسی می‌کند. به نظر او، اسلام بهترین جایگاه را در زندگی اجتماعی برای زن در نظر گرفته است. او می‌گوید: تنها دینی که نه تنها از نظر قانونی و عملی، بلکه از نظر فکری، انقلاب بزرگی را به راه انداخت، اسلام بود. این اسلام بود که تفکر زن و مرد را اصلاح کرد و در ذهن انسان عزت، کرامت و حقوق زن را زنده نمود. بنابراین کلماتی از قبیل حقوق زن، تعلیم و تربیت زن و نهضت زنان که امروزه می‌شنوید، انعکاس آن انقلاب عظیمی است که حضرت رسول (ص) ایجاد کرد و طرز تفکر انسانی را تا قیامت عوض نمود و او تنها پیامبری بود که به تمام جهانیان فهماند که زن مانند مرد انسان است. (۴) در جای دیگر زن و مرد را مکمل همدیگر می‌داند و می‌نویسد:



بدن و نفسیات و خواسته‌های هر یک، کاملاً پاسخگوی مقتضیات جسمی و روانی طرف مقابل است. (۵) مودودی این توازن و تعادل را در قانون اسلام، به خاطر تناسب و سازگاری آن با قوانین فطرت می‌داند. (۶)

زن و خانواده

از کرامتهای خاص زن این است که خداوند او را کانون آرامش خانواده و اجتماع می‌داند و می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (۷) «و از آیات لطف خدا آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که مایه آرامش و انس و رأفت شما واقع شود و این برای مردم با فکر، دلیل علم و حکمت آشکار حق است».

مودودی به تبع قرآن، حریم خانوادگی را استوارترین سنگر تمدن اسلامی می‌داند و زن و محیط خانواده را آخرین سنگری می‌داند که اسلام در هنگام حمله خارجیها بدان پناه می‌برد. (۸) البته به نظر او این سنگر مهم در اثر غفلت مسلمانان و حمله غرب و دشمنان رو به نابودی است. (۹) در حالی که اسلام به ازدواج و مسائل خانواده توجه زیادی دارد؛ (۱۰) چون تنها در محیط خانواده است که هر پسر و دختر می‌تواند در پناه کسانی رشد کرده و تربیت شود که نه تنها به آن محبت می‌کنند، بلکه از اعماق وجود خود می‌خواهند که آن به مرحله‌ای والاتر برسد. (۱۱)

مودودی در مورد فلسفه ازدواج می‌نویسد: فلسفه اصلی ازدواج انسانی، مثل حیوانات، بقا و ادامه نسل است. ولی فطرت تنها همین تقاضا را از انسان ندارد، بلکه به غیر از آن، انسان را به امور دیگری فرامی‌خواند که با تأمل می‌توان آنها را فهمید. اولین آنها این است که فرزند انسان برخلاف فرزند حیوانات نیاز به تربیت، توجه و عنایت بیشتر و کامل‌تری دارد و این سالهای زیادی را می‌طلبد. در این امر یعنی تربیت فرزند باید خانواده تمام وسایل ممکن تمدن را برای تربیت او به کار گیرد و اولادش را چنان تربیت نماید که به تدبیر امور اجتماعی محیطی که در آن متولد شده، شناخت پیدا کند. (۱۲) اولین کسی که با این تعالیم روبرو می‌شود، زن است. (۱۳)

مودودی از جمله معجزات دین اسلام را این برمی‌شمارد که: دین، زن و مرد را به خاطر مصالح نوع بشری و تمدن به فداکاری وادار می‌سازد و این حیوان خودبین و خودخواه را به انسان تبدیل کرده و او را به تصفیه و فداکاری دعوت

می‌کند. یکی از کارهای پیامبران نشان دادن راه و رسم صحیح ازدواج بود تا زن و مرد بتوانند در امور زندگی تعاون و همکاری مشترک داشته باشند. (۱۴) او در مورد اهمیت ازدواج بیان می‌دارد: ازدواج یک شکل شرعی اشباع‌گریزه نبوده، بلکه در حقیقت یک فریضه اجتماعی و حق فطری اجتماع بر فرد است. فرد در ازدواج کردن یا نکردن مختار نیست و کسانی که بدون عذر موجه از ازدواج خودداری می‌کنند، در حقیقت سربار جامعه و طفیلی و بلکه غداران دزدند. زیرا انسان باید وظیفه خود را در برابر استفاده نسل گذشته برای نسل آینده انجام دهد. (۱۵)

تنظیم خانواده و انتحار غرب

تنظیم یا کنترل جمعیت، یکی از مباحث بحث برانگیز دهه‌های اخیر بین جوامع غربی و اسلامی بوده است. غربیها که به تولید و مصرف و اقتصاد توجه دارند، آن را به راحتی پذیرفته‌اند. اما فقهای اسلامی که به آیات و روایات و نصوص خود نیز توجه خاص دارند، در این زمینه بینشان اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از فقها هرگونه کنترل و تحدید نسل را مخالف فلسفه اسلام و روح ایمان دانسته و با آن مخالفت کرده‌اند و قاعدتاً دخالت دولتها در این عرصه نیز به عقیده آنان دخالتی ناپجا و مخالف موازین شرع است. برخی دیگر از فقها به دلیل نرخ بالای رشد جمعیت و تنگناهای اقتصادی و رفاهی، با تنظیم خانواده موافقت و معتقدند که حکومتها باید در این زمینه برنامه‌ریزی داشته باشند و در صورت لزوم، جامعه را وادار به کنترل جمعیت و تنظیم خانواده نمایند.

مودودی هدف اصلی ازدواج را تولید نسل می‌داند و به شدت مخالف نظریه کنترل جمعیت بود. او در این زمینه کتابی تحت عنوان کنترل مولود یا تنظیم خانواده نوشت و در آن ابتدا از تاریخ تنظیم خانواده و علل و اسباب و رهبران فکری و دلایل آنان بحث کرد. سپس به نتایج آن اشاره نمود و در مقابل، دیدگاه خود را ارائه داد و ثابت کرد که اسلام به شدت مخالف تنظیم خانواده و کنترل جمعیت است.

مودودی تاریخ آغاز این نظریه را اواخر قرن هیجده می‌داند که اقتصاددان انگلیسی، مالتوس به خاطر رشد جمعیت انگلیس نظریه تناسب بین جمعیت و امکانات را ارائه داد. در اوایل به این نظریه توجهی نشد، اما در اواخر قرن نوزدهم حرکتی به نام حرکت جدید مالتوزیسم (۱۶) شروع



شد که هدف اصلی آن این بود که هرکس می‌تواند شهوت خود را با آزادی و حریت کامل ارضا نماید و بعد از آن به وسیله علوم تجربی از نتیجه طبیعی ارضای شهوت که بارداری و ولادت است، جلوگیری کند. (۱۷) این بار این نظریه به خاطر اوضاع اقتصادی و فرهنگی جوامع اروپا مورد توجه قرار گرفت. (۱۸) این مکتب شدیدترین نیازهای بشر را، غذا، استراحت و شهوت جنسی می‌دانست که باید این نیازها برطرف گردد. اما دو نیاز اولی خیلی مهم ترند چرا که انسان به خاطر آنها مجبور به کار و تلاش است. (۱۹) این نظریه تا جایی پیش رفت که پپیل رهبر حزب دموکرات آلمان ازدواج را یک عمل غیرمنطقی دانست. (۲۰)

مودودی نتایج این نظریه را کم شدن گرایش به ازدواج و زاد و ولد، سست شدن پیوند زناشویی، گسترش طلاق و فساد اخلاقی در جامعه، کمبود نیروی انسانی، تزلزل شدید در روابط عاطفی و ... برمی‌شمارد که امروزه در اثر این نظریه، گریبان‌گیر غرب شده است. به همین خاطر او مهار نسل را در کنسار قوم‌گرایی دو اهریمن بزرگ می‌داند که به جوامع غربی سایه افکنده و عامل هلاکت آنها خواهد شد. (۲۱) مودودی در برابر این نظر، ابتدا دلیل عقلی خود را توضیح می‌دهد که اگرچه جمعیت رشد کرده، اما امکانات آدمی نیز افزایش یافته و بسیاری از منابع که قبلاً ناشناخته و مجهول بود، امروزه شناخته شده است. بنابراین دلیلی وجود ندارد که این روند رشد، موازی جمعیت و امکانات

متوقف گردد. (۲۲) به نظر او در سه عامل اصلی تولید یعنی زمین، سرمایه و کار و انسان،

اساسی‌ترین آن انسان است. از طرفی نیاز و احتیاج، پدر اختراع و به کار انداختن استعدادها است، اگر نیاز وجود نداشته باشد، ما به پیشرفت نمی‌رسیم، بلکه عقب‌گرد نیز می‌کنیم. مودودی در ادامه به دلایل نقلی از قرآن و حدیث می‌پردازد و آیات ۳۱ اسراء «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا»، ۱۲ شوری «لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» و ۲۰-۲۱ حجر «وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ. وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» را در مغایرت نظریه کنترل جمعیت ذکر می‌کند و بیان می‌دارد که اگرچه احادیثی اندک جواز این امر را داده‌اند، اما آنها انفرادی و به خاطر ضرورت بوده است که امروزه این اجازه باید توسط یک عالم دینی و یک پزشک ماهر داده شود. (۲۳) او در آخر نتیجه می‌گیرد که در جامعه اسلامی جایی برای کنترل جمعیت به عنوان یک سیاست ملی وجود ندارد. (۲۴) اگرچه این نظر مودودی امروزه در جوامع اسلامی و غیراسلامی قابل قبول نیست، اما باید توجه داشت که وی این نظریه را با دلایل عقلی و شرع و نقل اسلامی ارائه کرده است و در جای خود نیاز به بحث و بررسی ویژه‌ای دارد که در این مقاله مجالی برای این موضوع نیست.

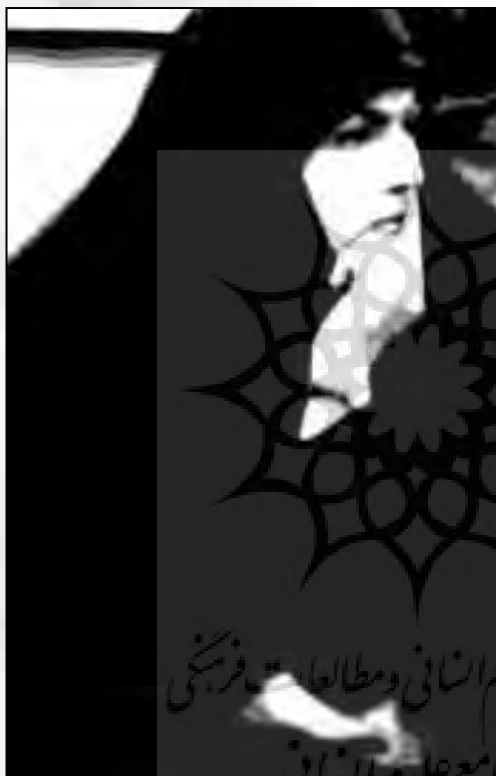
زن و مسئولیتهای اجتماعی

در زمان جاهلیت، بسته به [فرهنگ] محیط، به زن اجازه کار و فعالیت حرفه‌ای داده می‌شد، به جز جنگ و نبردهای قبایل علیه همدیگر، گرچه در این حال نیز زن نقش بسزایی در تشویق مردان به رزم داشت. وی اشعار حماسی می‌سرود و مردان را از سرزنش زنان، در صورت شکست یا ناتوانی در جنگ بیم می‌داد. بسیاری از زنان در کنار مردان به فعالیتهای کشاورزی و دامپروری می‌پرداختند و یا به صنایع دستی و یا حتی به خرید و فروش در بازارهای محلی و عمومی مثل بازار عکاظ مشغول بودند. در این بین می‌توان به زنانی چون ام منذر بنت قیس خرما فروش، اسماء بنت مخرمه بن جندل عطر فروش و یا حتی به هند بنت عتبه و خدیجه بنت خویلد زن پیامبر(ص) که به تجارت خارجی مشغول بودند، اشاره نمود (۲۵) که البته بسیاری از این فعالیتها بعد از اسلام تأیید شد.

در قرآن کریم، نه در حوزه مفاهیم، بلکه در قالب احکام معین، به حقوق خانوادگی



و نگهداری و تربیت فرزندان و به کارهای خانه بپردازد». (۳۰) احمد فرج، در کتاب «المؤامرة على المرأة المسلمة» به منع فعالیت زن در خارج از خانه معتقد است. (۳۱) برخی دیگر از فقهای معاصر که با کارکردن زن، ضدیت دارند، می‌گویند: «کلاً درست نیست که دختران و زنان برای تأمین مخارج خویش کار کنند، بلکه باید پدر یا شوهر و یا برادران آنان نفقه‌شان را بدهند، تا زنان به زندگی زناشویی و بچه‌داری بپردازند». (۳۲)



مودودی در مورد کار و فعالیت زوجین می‌نویسد: در اسلام تقسیم کار، بین زن و مرد شکل گرفته و فعالیت در بعضی از ابعاد زندگی در اقتضای مردان و در ابعاد دیگر در اختصاص زنان است و البته پاداش آنها یکسان است و فرقی بین آن نیست که یکی در آشپزخانه به پخت و پز اشتغال داشته و دیگری در سمت خلافت قرار گیرد و احکام اسلامی را اجرا کند، یکی در منزل بچه‌داری کند و دیگری در جبهه نبرد، در راه خدا جهاد کند. (۳۳) بر این اساس زن در خانه و مرد در بیرون از خانه مشغول به کارند. او برای گفته خود به آیه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ...» و حدیث «زن در خانه مسئول

و اجتماعی و سیاسی زن کاملاً توجه شده است. زن از آنجا که مظهر عطف و مهربانی است، به راحتی می‌تواند بین اعضای خانواده روابط سالمی برقرار کند و بسیاری از مشکلات را با حوصله و خوش‌رفتاری حل و فصل نماید. روی گشاده و باز او، آتش خشم شوهر را به راحتی خاموش می‌کند و آثار ناشی از خستگی کار روزانه را از چهره مرد می‌زداید و ناسازگارهای موجود بین فرزندان را به مدارا و همیاری مبدل می‌سازد. به هر حال، دلسوزی و حسن خلق زن به راحتی ارکان خانواده را حفظ می‌کند. به همین دلیل، خداوند متعال تأکید می‌کند که زن باید دامن خود را که مظهر پاکی، صفا و حریم حفظ اخلاق و روابط صمیمی خانواده است به خوبی حفظ کند و نسبت به شوهر فروتن و خوش‌رفتار باشد: «... فَأَلْصِقَاتُ فَانِتَاتُ حَافِظَاتُ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...» (۲۶) زن در مقابل حقوقی که خداوند برای آنها مقرر فرموده است باید نیکوکار و فروتن در مقابل همسر بوده و نگهبان دامن خود و اموال شوهر خویش باشند.

در جامعه پیامبر، زن به فعالیتهای مذهبی می‌پرداخت و مانند عابدی فقیه از پیامبر روایت می‌کرد و رسول الله برای وی حدیث می‌گفت. زن در زمینه شعر هم بارز و برجسته بود. موضع اسلام درباره کارکردن زن، موضع درست و طبیعی دینی است که در پی ساختن اجتماعی استوار و به هم پیوسته است و می‌داند ساختن چنین جامعه‌ای نیازمند تلاش و حضور فعال و بنیادی زن است و به خوبی آگاه است، نقش مهم و اساسی زن در ساختن اجتماع کوچک خانواده، مانع ایفای نقش وی در ساختن جامعه بزرگ اسلامی، از طریق کارکردن نیست. در جنگهای پیامبر (ص) نیز بسیاری از زنان مانند مردان نقش داشتند. (۲۷) از جمله این زنان می‌توان به حضور و مقاومت ام عماره، ام سلیم، ام حارث و ام سلیم (۲۸) در جنگهای مهم احد و حنین اشاره کرد. (۲۹)

با این وجود موضوع کارکردن زن مسلمان در بیرون از خانه، همچنان باعث اختلاف نظر شدید میان موافقان و مخالفان است. نگاه‌های فقها و نویسندگان معاصر که به بازگشت به اصول اسلامی در بنیان خانواده و تعیین وظایف زن و مرد دعوت می‌کند، اصرار دارد جای زن در خانه است و نخستین و آخرین وظیفه اصلی او، خانه و شوهرداری و تربیت فرزندان است. هر یک از این فقها، دلایلی را برای نظر خود مطرح می‌کنند. رشیدرضا دلیل چنین اعتقادی را فطرت می‌داند: «فطرت می‌طلبد زن به بارداری و شیردهی



و سرپرست بوده و مسئولیت اداره خانه با او است» (۳۴) استناد می‌کند. او با دلایل خود اشاره دارد که آیه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ...» تنها راجع به زنان پیامبر نیست. زنان پیامبر ناتوانی خاصی نداشتند که نتوانند خارج از خانه کار کنند. او این برداشت نادرست را به خاطر بخش اول آیه می‌داند که خداوند می‌فرماید: «ای زنان پیامبر شما مانند دیگر زنان نیستید...». او در ادامه می‌نویسد: این اسلوب مثل این است که پدر به فرزندش بگوید تو مثل دیگر پسران نیستی که در کوچه و بازار گردش کنی و... بلکه هدف تعیین شدن معیار اخلاق و محاسن و فضایل است، تا زنان پیامبر به عنوان راهنما و الگو و چراغ هدایت دیگر زنان باشند. (۳۵)

از طرفی زن در راه کسب و کار، موفقیت و کارایی مرد را ندارد (۳۶) و نیز با توجه به اینکه زن، نفقه و مهر از سوی مرد دریافت می‌کند، الزامی برای کار او در بیرون نیست. (۳۷) البته او کارکردن زن را در حالت اضطرار مجاز می‌داند و می‌نویسد: اسلام در این باره آن قدر سخت‌گیری نمی‌کند که به زن در حالت ضروری و لازم هم اجازه خروج را ندهد. برای مثال اگر زن سرپرست مرد نداشته باشد، یا برای تأمین معاش خانواده نیاز به کاری در بیرون از منزل داشته باشد، یا به علت بیماری یا ناتوانی و مسائل دیگر مجبور به خروج از منزل باشد، در همه این احوال و شرایط، قانون به وی اجازه کامل داده است. او در مورد حدیث «قد اذن الله لکن ان تخرجن لحوائجکم...» (۳۸) می‌نویسد: «باید

دانست که این اجازه برای زنان همراه با مراعات شرایط و ضروریات است و بس و این نمی‌تواند قاعده عمومی نظام اجتماع اسلامی را تغییر دهد و آن قاعده اصلی این است که محدوده کار زن در داخل خانه است و بیرون رفتن از خانه جایز نیست، مگر به هنگام ضرورت و نیاز. پس لازم است که غیر از آن مقاصد و معانی، چیز دیگری برداشت نگردد». (۳۹) بر این اساس به نظر مودودی، تأمین معاش، نگهداری و مراقبت از خانواده و دیگر خدمات سخت اجتماعی، ریاست و تدبیر امور خانواده به خاطر جلوگیری از اختلاف و نیز انجام کارهای سیاسی و کلیه اعمال خارج از خانه، از جمله وظایف مرد است و تربیت فرزندان، تدبیر امور منزل، نگهداری از اموال شوهر و انجام اعمالی که موجب آسایش و راحتی زندگی است (مانند پخت و پز و...) از وظایف زن است. (۴۰)

زن و تعلیم و تربیت

تا اینجا شاید تصور شود که وظیفه اصلی زن از دیدگاه مودودی کار کردن در منزل است، اما این چنین نیست. او درباره وظیفه اصلی زن می‌نویسد: وظیفه اصلی زن تربیت است، چرا که تأثیرپذیری تربیت فرزند توسط زن هفتاد برابر بیشتر از مرد است. (۴۱) یوسف قرضاوی در دیدگاهی بازتر نسبت به زن، وظیفه مهم زن را تربیت فرزندان می‌داند و می‌گوید: «هیچ کار دنیوی نباید او را از این رسالت مهم باز دارد». (۴۲) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران نیز در اهمیت نقش تربیتی زنان معتقد است: «زن، انسانی بزرگ و مربی جامعه است. او است که با تربیت صحیح خود، انسان درست می‌کند و کشور را آباد می‌نماید». (۴۳)

«خدمات مادران به جامعه، از خدمات معلمان و دیگران بالاتر است، زیرا افراد جامعه را در دامن خود تربیت می‌کنند، و این کاری است که انبیا می‌خواستند؛ انبیا می‌خواستند بانوان، شیرزنان و شیرمردانی تربیت و به جامعه تقدیم کنند». (۴۴)

اما زن باید در این راستا تعلیم و تربیت یابد، تا رسالت خود را انجام دهد. مودودی می‌نویسد: «اسلام نه تنها به زن اجازه داده، تا علوم دینی و اجتماعی را بیاموزد، بلکه او را تشویق و تمجید نموده و تعلیم و تربیت زن را مانند مرد حتمی و لازم دانسته است. در زمان پیامبر زنان مسائل دینی و اخلاقی را مانند مردان از وی یاد می‌گرفتند. پیامبر برای زنان وقت معین را تعیین کرده بود که در آن ساعت زنان برای تعلیم و آموختن حاضر می‌شدند». (۴۵) به نظر وی در



نوع و چگونگی تربیت مرد و زن در اسلام تفاوت است. تعلیم و تربیت زن در اسلام آن است که او را به عنوان یک زن الگو و نمونه، مربی و مدیر خانه تربیت کند. چون محل تلاش و فعالیت زن خانه می‌باشد، پس بر او واجب است که به خصوص علمی را بیاموزد که در محیط خانه مفید باشد. بعد از آن علمی را کسب کند که به وی انسانیت، تهذیب، اخلاق و وسعت نظر را آموزش دهد. (۴۶) بنابراین از نظر اسلام، آموزش و پرورش زن، از وی همسری نمونه و مادری مهربان و خانه‌داری مدیر می‌سازد؛ (۴۷) زیرا تربیت و پرورش بدنی و روحی فرزندان، به فرهنگ و آگاهی گسترده زن نیازمند است.

از گفته‌های مودودی، می‌توان چنین استنباط کرد که اگرچه زن حق تعلیم و تربیت دارد و می‌تواند برای حصول آن به خارج از خانه رود، اما در این راه نباید اختلاطی بین زن و مرد صورت گیرد؛ یعنی برای زن باید دانشگاه، مدرسه و ... به صورت جداگانه و مخصوص وجود داشته باشد. به نظر او در برنامه آموزشی پیامبر اختلاط آزاد بین زن و مرد ممنوع بود. (۴۸) او در شرح سوره حجرات نیز می‌گوید: «ذکر مردان و زنان به صورت جداگانه بر این مطلب دلالت نمی‌کند که مسخره کردن مردان بر زنان و مسخره کردن زنان برای مردان جایز است. علت اصلی ذکر آنها به طور جداگانه این است که اسلام اصلاً جامعه‌ای را که زنان و مردان با یکدیگر تماس داشته باشند، به رسمیت نمی‌شناسد.» (۴۹) یوسف قرضاوی در این زمینه نظر دیگری دارد. او با اشاره به آیات و روایاتی مثل گفتگوی حضرت سلیمان با بلقیس در آیات ۳۲ و ۳۴ سوره نمل و گفتگوی حضرت موسی با دختران حضرت شعیب در آیات ۲۳ تا ۲۶ سوره قصص و نیز حضور زنان زمان پیامبر (ص) در مساجد و نمازهای جمعه و عیدها و حتی جنگها، نتیجه می‌گیرد که ملاقات و برخورد میان مردان و زنان در حد ذات خود حرام نیست، بلکه اگر هدف از برخورد میان آنان یک مقصد عالی و بزرگی از قبیل دانش سودمند، کار نیکو، برنامه خیر و تلاش مطلوبی را دنبال نماید که تحقق آنها نیازمند تلاش دو جانبه زن و مرد و همکاری دوطرفه آنها در برنامه‌ریزی، توجیه و اجرای آن باشد، جایز و مطلوب است که البته باید ضوابط و قوانین اسلامی در آن رعایت شود. (۵۰)

زن و مناصب سیاسی

در ورود زن به عرصه‌های سیاسی (۵۱) از قدیم میان علمای اسلام اختلاف بوده است. اما این اختلاف امروزه

شدت بیشتری گرفته است. در حالی که عده‌ای از کارآمدی سیاسی زن دفاع می‌کنند، گروهی به شدت مخالف ورود زن به عرصه‌های سیاسی هستند، تا آنجا که کسانی چون خواجه نظام الملک در گذشته معتقد بودند، زنان ناقص العقل هستند و با دخالت آنها در سیاست، در ملک و دین خلل ایجاد می‌گردد. خواجه معتقد است هر جا که زن وارد سیاست و پادشاهی شده است، چیزی جز فتنه و فساد و شور و شر و در نهایت ویرانی و از دست دادن حکومت به بار نیاورده است. (۵۲)

امام خمینی حضور و دخالت زنان در امور سیاسی را لازم می‌داند و معتقد است: برای حفظ جامعه این امر واجب است. ایشان این اعتقاد را برگرفته از اسلام می‌داند و می‌فرماید: «زنها هم باید در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی، همدوش مردها باشند؛ البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است.» (۵۳) امام اذعان می‌دارد «زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند» (۵۴) و «در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیتهایی به عهده بگیرد.» (۵۵) ایشان به زنان اجازه می‌دهد حتی در وزارتخانه‌ها فعالیت کنند. (۵۶)

در این میان می‌توان به نظریه اعتدالی قرضاوی در میان اهل سنت نیز اشاره کرد. او کارکردن زن را در مقامهای سیاسی جایز می‌داند، اما معتقد است که برای این کار باید شرایطی مقرر گردد، تا از پیامدهای نامطلوب کار زن در خارج جلوگیری شود. به عبارت دیگر برای خانها در مدارس، دانشکده‌ها، وزارتخانه‌ها و مؤسسات داخلی و خصوصی، قسمتهای جداگانه در نظر گرفته شود. (۵۷) این نظریه قرضاوی در نگاه مودودی فقط در عرصه تعلیم و تربیت می‌تواند پذیرفته شود. او معتقد است زنان در عرصه‌های تربیتی می‌توانند با شرایطی که قرضاوی بیان کرده وارد شوند، اما در عرصه سیاست جایی برای زنان وجود ندارد. مودودی با ذکر آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» (۵۸) و حدیث بخاری «لن یفلح قوم و لو امرهم امرأته» (۵۹) می‌نویسد: این دو دلیل به طور قطعی حکم می‌کند که پستهای ریاستی دولت و حکومت، یا وزارت یا عضو مجلس شوری یا ادارات مصالح مختلفه حکومتی به زنها تفویض نمی‌شود؛ چرا که طبق دلایل مذکور، مردان کاراندیش زن‌اند و حکومت و سیاست از دایره وظایف آنان خارج است. (۶۰)

او در ادامه و در نقد دلایل مخالفان نظریه خود، می‌نویسد: منتهی دلیل آنها این است که عایشه همسر پیامبر (ص) در جنگ جمل شرکت نمود، این در حالی است که صحابه



بزرگ از جمله حضرت علی(ع) این عمل همسر پیامبر را تخطئه کردند. خود عایشه نیز بعد از جنگ جمل و تا پایان عمر خود از این عملش اظهار ندامت و پشیمانی می‌نمود، حال می‌توان عملی را که صحابه تخطئه کردند و حتی خود عامل آن از آن عمل اظهار ندامت کرده، مورد تأیید قرار داد و ادعا کرد که اسلام زن را در قیام به شئون سیاست و تدبیر امور دولت شرکت داده است. در ضمن هیچ‌گاه جایز نیست به عمل شخصی یک صحابه که در جهت خلاف راهنماییهای خدا و رسول رفته است، استدلال نمود.(۶۱)

نتیجه‌گیری

مردودی معتقد بود که در خانواده تقسیم کار صورت گرفته و مرد مسئول امور بیرون و زن مسئول امور داخل خانه است. بنابراین زن بدون ضرورت نمی‌تواند خارج از خانه و به خصوص در پستهای سیاسی شرکت کند، بلکه وظیفه او تربیت است و می‌تواند در مکانهای تربیتی فعالیت نماید. البته او هیچ‌گاه جایگاه انسانی زن را انکار نمی‌کند و معتقد است که جهاد مرد در بیرون با ظرف شستن زن در خانه برابر است.

از نظر او زن و مرد، از آن رو که موجوداتی انسانی و دارای نیروهای عقلی، عاطفی، احساسی و نیازهای همسان هستند، برابرند و هر دو در ساماندهی به زندگی اجتماعی و تمدن مشارکت فعال دارند و در پرورش تواناییهای طبیعی‌شان، از استحقاق یکسانی برخوردارند و تہذیب، تعلیم و پرورش استعدادهای هر دو جنس، در اصلاح و قوام زندگی جمعی مؤثر است؛ زنان همانند مردان، حقوق و امتیازات اجتماعی همسانی دارند که جامعه باید آنها را حرمت نهد.

به زعم مردودی، از آنجا که حوزه فعالیت مرد و زن متفاوت است، کیفیت و محتوای آموزش نیز باید چنان طراحی شود که این آموزشها معطوف به ارتقای تواناییها، استعدادها و همچنین معارف لازم برای ارتقای اخلاقی و معنوی باشد. وی همچنین تحصیل مدارج علمی و مهارتهای عالی را برای زن، در صورتی که الزامات شرعی رعایت شود، بلامانع می‌داند.

با این حال مردودی در عمل، به ظاهر چیز دیگری را ثابت کرد. او در انتخابات در مقابل ایوب خان از فاطمه جناح، خواهر محمدعلی جناح طرف‌داری نمود. این عمل باعث شد، عده‌ای بر مردودی ایراد بگیرند که وی در مورد زن دچار تناقض‌گویی است. البته در این مورد باید توجه داشت که مردودی و جماعت او قدرت کافی نداشتند، تا امور حکومت را در دست گیرند. از طرفی در انتخابات بالآخره یکی از این دو نفر کاندید، حاکم می‌شد که دیکتاتوری بودن ایوب خان مسلم بود. بنابراین مردودی این‌طور صلاح دید تا با حمایت از فاطمه جناح، هم از شر یک دیکتاتور راحت شود و هم با انتخاب یک زن می‌توانست بهتر و بیشتر در جهت اهداف خود بر او تسلط یابد. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که مردودی بر حسب ضرورت و نه بر حسب قاعده از فاطمه جناح حمایت نمود. به نظر مردودی اگر در هنگام جنگ در اسلام زنان برای کمکهای اولیه و بر حسب ضرورت به کار گرفته می‌شدند، به این معنا نیست که در حالت امن، زنان در دفاتر و پارلمانها حضور داشته باشند.(۶۲)

مردودی خود مذهب حنفی دارد که امامش ابوحنیفه قضاوت زنان را به جز در حدود و قصاص جایز می‌داند،(۶۳) آیا

پی‌نوشتها

۱. الامام ابوالاعلی المودودی حیاتہ - دعوتہ - جہادہ.
۲. حجاب، صص ۱۸ و ۱۹.
۳. همان، صص ۵۸-۶۰.
۴. همان، ص ۲۰۰. اشاره به آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء، ۱).
۵. تفہیم القرآن، ج ۳، ص ۱۶۸.

۱. الامام ابوالاعلی المودودی حیاتہ - دعوتہ - جہادہ.
۲. حجاب، صص ۱۸ و ۱۹.
۳. همان، صص ۵۸-۶۰.
۴. همان، ص ۲۰۰. اشاره به آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء، ۱).
۵. تفہیم القرآن، ج ۳، ص ۱۶۸.



۶. حجاب، ص ۱۷۰.
۷. روم، ۲۱.
۸. آیین شجاعان، صص ۳۲ و ۳۳.
۹. همان، صص ۲۵-۳۴.
۱۰. نظام حیات فی الاسلام، صص ۴۵-۵۴.
۱۱. زندگینامه: نگاهی به احوال، آثار و افکار سید ابوالاعلی مودودی، ص ۲۶۸.
۱۲. حجاب، ص ۱۲۳.
۱۳. همان، ص ۱۲۴.
۱۴. همان، ص ۱۲۵.
۱۵. همان، ص ۱۲۸.
16. New Malthusian Movement
17. *Mawdudi Brith control Trans and Edit*, by Kh. Ahmad and M. I Faruqi ahore IslamicPublications. Ltd 1978, pp.8-12;
- حجاب، صص ۵۴ و ۵۵.
18. *Mawdudi Brith control*, p.11.
۱۹. چون شهوت جنسی در غرب امری عادی و آزاد است و کسی برای آن پول نمی دهد.
۲۰. حجاب، صص ۵۵ و ۵۶.
۲۱. «اسلام گرایان و جهانی شدن - جهان در آئینه هویت»، ص ۱۴۳.
22. *Mawdudi Brith control*, p.15.
23. *Ibid*, pp.176-177.
24. *Ibid*, p.183.
۲۵. المرأة فی التاريخ العربی، صص ۱۲۱-۱۲۳.
۲۶. نساء، ۳۴.
۲۷. اعیان النساء، صص ۲۱۸ و ۵۸۱.
۲۸. السیرة النبویة، ج ۴، ص ۴۸.
۲۹. تاریخ پیامبر اسلام، ص ۲۰۷.
۳۰. حقوق النساء فی الاسلام، ص ۳۷.
۳۱. المؤامرة علی المرأة المسلمة، مقدمه.
۳۲. المرأة بین الفقه و القانون، ص ۱۷۱.
۳۳. تفهیم القرآن، ج ۴، صص ۱۲۶-۱۷۸؛ حجاب، ص ۱۹۰.
۳۴. حَدَّثَنَا أَبُو التُّعْمَانِ حَدَّثَنَا حَمَادُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ أَبِي يُوْبَ عَنْ نَافِعٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلِهِ] وَسَلَّمَ - «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ، فَإِلَامُ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ زَوْجِهَا وَهِيَ مَسْئُولَةٌ، وَالْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ، إِلَّا
۳۵. حجاب، صص ۱۹۰-۱۹۲.
۳۶. رسائل و مسائل، ص ۱۱۹۹.
۳۷. حقوق الزوجین، صص ۳۲-۳۵.
۳۸. حَدَّثَنَا فَرْوَةُ بْنُ أَبِي الْمَغْرَاءِ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُسْهِرٍ عَنْ هِشَامٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ خَرَجَتْ سَوْدَةُ بِنْتُ زَمْعَةَ لَيْلًا فَرَأَاهَا عَمَّرُ فَعَرَفَهَا فَقَالَ إِنَّكَ وَاللَّهِ يَا سَوْدَةُ مَا تَخْفَيْنِ عَلَيْنَا، فَرَجَعَتْ إِلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلِهِ] وَسَلَّمَ - فَذَكَرَتْ ذَلِكَ لَهُ، وَهُوَ فِي حُجْرَتِي يَتَعَشَّى، وَإِنَّ فِي يَدِهِ لَعَرَقًا، فَأَنْزَلَ عَلَيْهِ فَرَفَعَ عَنْهُ وَهُوَ يَقُولُ «قَسِدَ أَدْنِ لَكِنَّ أَنْ تَخْرُجْنَ لِحَوَائِجِكُنَّ» (صحيح بخارى، باب «خروج النساء لحوائجهن»، ح ۵۲۳۷).
۳۹. حجاب، ص ۱۹۲.
۴۰. همان، صص ۱۸۳-۲۰۵.
۴۱. زندگینامه: نگاهی به احوال، آثار و افکار سید ابوالاعلی مودودی، ص ۲۱۷.
۴۲. دیدگاههای فقهی معاصر ۲، صص ۶۶۴ و ۶۶۵.
۴۳. صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۸۷.
۴۴. همان، ج ۱۴، ص ۱۳۰.
۴۵. حجاب، ص ۱۹۸.
۴۶. همان.
۴۷. همان، ص ۱۹۹.
۴۸. تفهیم القرآن، ج ۴، ص ۱۹۳.
۴۹. همان ج ۵، ص ۱۰۷.
۵۰. دیدگاههای فقهی معاصر ۲، صص ۶۱۹-۶۳۶.
۵۱. کل مسائل سیاسی از قبیل ورود در قوای قضائیه، مجریه و مقننه.
۵۲. سیاست نامه یا سیر الملک، صص ۱۹۴-۱۹۷.
۵۳. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۶۴.
۵۴. همان، ج ۵، ص ۱۵۳.
۵۵. همان، ج ۳، ص ۱۰۱.
۵۶. همان، ج ۵، ص ۱۵۰.
۵۷. دورنمای جامعه اسلامی، صص ۵۶۸-۵۸۰.
۵۸. نساء، ۳۴.
۵۹. حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ الْهَيْثَمِ حَدَّثَنَا عَوْفٌ عَنْ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي بَكْرَةَ قَالَ لَقَدْ نَفَعَنِي اللَّهُ بِكَلِمَةٍ سَمِعْتُهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلِهِ] وَسَلَّمَ - أَيْسَامُ الْجَمَلِ، بَعْدَ مَا كَدْتُ أَنْ أَلْحَقَ بِأَصْحَابِ الْجَمَلِ فَأَقَاتِلَ مَعَهُمْ قَالَ لَمَّا بَلَغَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلِهِ] وَسَلَّمَ - أَنَّ أَهْلَ فَارِسَ قَدْ مَلَكَوا عَلَيْهِمْ



۶۳. مختصر القدوری، فی فقه الامام الاعظم ابی حنیفه، ص ۴۱۹.

۶۴. الاحکام السلطانیه، ص ۶۵.

بِنْتُ كِسْرَى قَالَ «لَنْ يُفْلِحَ قَوْمٌ وَلَوْ أَمَرَهُمْ امْرَأَةٌ» (صحیح بخاری، باب «كِتَابُ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - إِلَى كِسْرَى وَقَبْرَهُ»، ح ۴۴۲۵).

۶۰. قانون اساسی در اسلام، صص ۱۵۱-۱۶۰.

۶۱. همان، صص ۱۵۵-۱۶۳.

۶۲. رسائل و مسائل، ص ۱۱۹.

کتابنامه

عبدالعزیز سلیمی، تهران، احسان، ۱۳۸۱ ش.

۱۴. همو، دیدگاههای فقهی معاصر ۲، ترجمه احمد نعمتی، تهران، احسان، ۱۳۸۲ ش.

۱۵. گیلانی، سعید اسعد، زندگینامه: نگاهی به احوال، آثار و افکار سید ابوالاعلی مودودی، ترجمه نذیر احمد سلامی، تهران، احسان، ۱۳۸۰ ش.

۱۶. لیلی صباغ، المرأة فی التاریخ العربی، دمشق، وزارت فرهنگ و ارشاد ملی، ۱۹۷۵ م.

۱۷. ماوردی، ابوالحسن، الاحکام السلطانیه، قاهره، مطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۹۶۶ م.

۱۸. مودودی، ابوالاعلی، آیین شجاعان، ترجمه ابراهیم امینی، [بی جا]، سازمان انتشارات نوید، ۱۳۴۸ ش.

۱۹. همو، تفهیم القرآن، ج ۳ و ۴، ترجمه آفتاب اصغر، لاهور، المنصوره؛ دارالعروبه، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۷ م.

۲۰. همو، حجاب، ترجمه نعمت الله شهرانی، تهران، احسان، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.

۲۱. همو، حقوق الزوجین، تعریب احمد ادريس، جده، دارالسعودیة للنشر و التوزیع، بی تا.

۲۲. همو، رسائل و مسائل، ترجمه سید احمد چشتی، لاهور، دارالعروبه، ۱۴۱۹ ق / ۱۹۹۸ م.

۲۳. همو، قانون اساسی در اسلام، ترجمه محمدعلی گرامی، قم، دارالفکر، بی تا.

۲۴. همو، نظام حیات فی الاسلام، اعداد: محمد عاصم حداد، لاهور، دارالعروبه؛ دمشق، دارالفکر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ق / ۱۹۵۸ م.

25. Mawdudi Brith control Trans and Edit, by Kh. Ahmad and M. I Faruqi ahore Islamic Publications. Ltd 1978.

۱. آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تلخیص: جعفر شریعتمداری، تهران، سمت، ۱۳۷۸ ش.

۲. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۴، مدینه، دارالتقوی للنشر و التوزیع، ۲۰۰۴ م.

۳. احمد فرج، المؤامرة على المرأة المسلمة، مصر، دارالوفاء، ۱۹۸۶ م.

۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، تحقیق: مصطفی دیب البغا، بیروت، دار ابن کثیر، چاپ سوم، ۱۹۹۸ م.

۵. حامدی، خلیل احمد، الامام ابوالاعلی المودودی حیاتہ - دعوتہ - جهادہ، لاهور، المكتبة العلمية، بی تا.

۶. حکیمی، شیخ محمدرضا، اعیان النساء، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۹۸۳ م.

۷. خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱ ش.

۸. خواجه نظام الملک، سیاست نامه یا سیر الملک، مقدمه و تعلیقات: عطاءالدین تدین، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.

۹. رشیدرضا، حقوق النساء فی الاسلام، حاشیہ: محمدناصر الالبانی، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۹۸۴ م.

۱۰. سباعی، مصطفی، المرأة بین الفقه و القانون، دمشق، مؤسسة الرسالہ، ۱۹۶۲ م.

۱۱. سید رضوان، «اسلام گرایان و جهانی شدن - جهان در آئینه هویت»، ترجمه محمد مهدی خلجی، مجله نقد و نظر، سال پنجم، شماره ۲۰-۱۹، تابستان و پاییز ۱۳۷۸ ش.

۱۲. قدوری، ابوالحسن احمد بن محمد، مختصر القدوری، فی فقه الامام الاعظم ابی حنیفه، زاهدان، فاروق اعظم، ۱۳۷۹ ش.

۱۳. قرضاوی، یوسف، دورنمای جامعه اسلامی، ترجمه

